



مخالفت مردم با جنگ و فشار اقتصادی حمایت از هیچ جناحی نیست

صادق کار



اعلام فشار اقتصادی سنگین به نحوی که به گفته دونالد ترامپ در جهان بیسابقه است با وجود اینکه بطور رسمی از دوم شهریور آغاز شده است به رغم عدم همراهی چین و روسیه و یحتملا تعداد دیگری از کشورها به بحران اقتصادی در کشور دامن خواهد زد و تا کنون به کاهش ارزش ریال، گرانت شدن هزینه های زندگی و افزایش نرخ تورم منجر شده و بر نگرانی و ناامیدی مردم از بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی شان افزوده است.

روند سقوط قدرت خرید مردم که پس از اعلام "فشار اقتصادی بیسابقه" سرعت گرفته همچنین کار و کسب های بسیاری را بیش از پیش از رونق خواهد انداخت و اثرات خود را روی همه چیز خواهد گذاشت.

در حالی که رئیس بانک مرکزی اثر بخش بودن فشارهای اقتصادی را که باعث توقف فروش نفت شده است تأیید می کند و قالیباف تلویحا فشار تازه را عامل گرسنگی مردم عنوان می کند و تعدادی از اصلاح طلبان اسبق بر بازگشت به میز مذاکره اصرار می ورزند، جریانان تندرو و افراطی همچنان بر طبل جنگ می کوبند. مخالفت جریانان افراطی از دولت اما محدود به اختلاف بر سر جنگ و صلح نیست.

آنها علاوه بر اینکه مخالف مذاکره و طرفدار تداوم جنگ با امریکا و بسته نگه داشتن تنگه هرمز هستند، طرفداران مذاکره را به سازشکاری، تسلیم طلبی و بعضا به خیانت متهم می کنند. جناح مخالف مذاکره برای بی اثر کردن محاصره اقتصادی راه کارهایی را مطرح می کنند که نه دولت حاضر به پذیرش آنهاست و نه بعضا در فضای نه جنگ نه صلح امکان اجرایشان وجود دارد. این در حالی است که فشارهای ناشی از این وضعیت هر روز که می گذرد بیشتر بر دوش مردم سنگینی می کند.

فارغ از منشاء اختلافات جناح های حکومتی که روز به روز حادثر و عریانتر می شود، اما اوضاع کنونی تا آنجا که به وضعیت معیشتی و رکود و بحران اقتصادی بر می گردد نتیجه عملکرد هر دو جناح حکومتی است. برای فهم بهتر این واقعیت کافی است نگاهی به عملکرد دولت رئیسی، رئیس جمهور مورد پسند منتقدین حکومتی دولت پزشکیان در حوزه اقتصادی و رفاه بیندازیم تا بدانیم که هیچ تفاوت اساسی بین سیاستهای او با دولت پزشکیان وجود ندارد. خطوط اصلی سیاست هر دو را علی خامنه ای ترسیم کرده بود و این دو



مجری آن بودند. بنا بر این حملات محافظه کاران و پایداری چپ‌های به دولت پزشکیان در آنجا که متوجه عدالت اجتماعی و برنامه اقتصادی اجتماعی است ریا کارانه است و از جنس مخالفت درست مردم به سیاستهای دولت پزشکیان نیست و بقول معروف دعوا بین طرفین بر سر لحاف ملاست

دولت پزشکیان اگر چه طرفدار مذاکره با امریکا و کشورهای حوزه خلیج فارس برای برقراری صلح و عادی سازی روابط است، اما در حوزه عدالت اجتماعی و توزیع درآمدهای کشورهای حوزه خلیج فارس کاری به گرد پای آن نمی رسد. این واقعیتی است که مراجعه به آمارهای دو ساله دولت و شکایات و اعتراضات همه روزه مردم به فقر و گرانی، بیکاری و بحران مسکن آنرا اثبات می کند

محافظه کاران مخالف دولت با هیچ یک از برنامه های اقتصادی دولت پزشکیان ا مخالف نیستند، آنها را کافی نمی دانند. تا آنجا که یکی از سرشناسترین آنها دولت موسوی را بخاطر برنامه های اقتصادی اش و سر خم نکردن مقابل ولی فقیه شرور می نامد. با این اوصاف تشدید درگیری ها میان جریانان حکومتی هیچ ربطی نه به عدالت اجتماعی و حقوق کارگران و مزد بگیران و به زیر خط فقر رانده شدگان توسط جریانان حکومتی دارد و نه ربطی به مبارزه با امپریالیسم، کما اینکه سیاستهای داخلی جریانان حکومتی هیچ دستکمی از سیاستهای کشورهای امپریالیستی نداشته و ندارد. برقراری عدالت اجتماعی با وجود یک رژیم استبدادی و سرکوبگر که در عدالت ستیزی و گسترش فقر و بیداد شهره عام و خاص است، صرفنظر از اینکه جریان موسوم به اصلاح طلب بر سر کار باشند، یا محافظه کاران افراطی دست نیافتنی است. مخالفت مردم با جنگ و سیاست فشار اقتصادی دولت امریکا و حمایت آنها از صلح از الزامات مبارزه با فقر و جنگ است اما به هیچ روی به معنی حمایت از هیچ جناحی نیست. این واقعیتی است که مردم آنرا در عمل خود نشان داده اند

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

همه با هم برای پایان دادن به جنگ، برقراری صلح، رفاه و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!

بی ثباتان - بخش پنجم

گای استندینگ





فرزند جهانی شدن - ادامه

میلیونها نفر - هم در اقتصادهای پیشرفته و ثروتمند، و هم در اقتصادهای نوظهور - به جمع بی ثباتان (پریکاریات) پیوسته اند؛ پدیده ای نو، با رگه هایی از گذشته. پریکاریات بخشی از طبقه کارگر یا "پرولتاریا" نبود. این دو کلمه اخیر جامعه ای را تداعی می کنند که عمدتاً از کارگرانی تشکیل شده است که به مشاغل بلندمدت، باثبات و با ساعات کار ثابت اشتغال دارند؛ مشاغلی که مسیرهای پیشرفت در آنها روشن و شناخته شده است، زیر پوشش اتحادیه ها و قراردادهای جمعی قرار دارند، عنوانهای شغلی شان برای پدران و مادرانشان نیز قابل فهم بوده است، و کارفرمایان محلی ای دارند که نام و چهره شان برای آنان آشناست.

بسیاری از کسانی که وارد پریکاریات می شدند، حتی نمی دانستند کارفرمایانشان دقیقاً چه کسی است، یا اکنون چند همکار دارند و در آینده احتمالاً چند همکار خواهند داشت. آنان همچنین "طبقه متوسط" نیز نبودند، زیرا نه از درآمدی ثابت و قابل پیش بینی برخوردار بودند، و نه از منزلت و مزایایی که غالباً انتظار می رفت افراد طبقه متوسط از آن بهره مند باشند.

با گذشت از دهه ۱۹۹۰ شمار بیشتری از مردم - نه فقط در کشورهای در حال توسعه، بلکه همچنین در کشورهای پیشرفته - خود را در وضعیتی یافتند که اقتصاددانان توسعه و دیگر علمای اجتماعی آن را "غیررسمی" می نامیدند. احتمالاً خود این مردم چنین عنوانی را برای توصیف خویش سودمند نمی دانستند؛ چه رسد به این که چنین تعریفی سبب شود آنان شیوه ای مشترک از زندگی و کار را در دیگران نیز تشخیص دهند. پس می توان گفت که آنان نه طبقه کارگر بودند، نه طبقه متوسط و نه "غیررسمی". پس چه بودند؟

اگر آنان با عنوان کسانی که دارای زیستی ناامن و متزلزل اند تعریف می شدند، احتمالاً جرقه ای از احساس شناخت و همذات پنداری در آنان پدید می آمد. دوستان، خویشاوندان و همکارانشان نیز غالباً در نوعی وضعیت موقت به سر می بردند، بی آن که هیچ اطمینانی داشته باشند چند سال دیگر، یا حتی چند ماه یا چند هفته دیگر، همچنان به کار کنونی شان مشغول خواهند بود یا نه. و مهم این است که در بسیاری از موارد، آنان نه آرزو داشتند و نه می کوشیدند که این وضعیت موقت به وضعیتی دائمی تبدیل شود.

تعریف پریکاریات

برای تعریف آنچه از کلمه پریکاریات مراد می کنیم، دو راه وجود دارد. یک راه این است که آن را یک گروه اجتماعی - اقتصادی متمایز بدانیم؛ به این معنا که هر فرد، بنا به تعریف، یا عضو آن است یا نیست. این شیوه (Ideal) برای ترسیم تصویر و انجام تحلیل مفید است و به ما امکان می دهد از آنچه ماکس وبر "نوع آرمانی" (type) می نامید، استفاده کنیم. بر این اساس پریکاریات را می توان واژه ای نو دانست که از ترکیب صفت (precarious) "پرولتاریا" (proletariat) و اسم مرتبط با آن، یعنی "پرولتاریا" (proletariat) بی ثبات، ناپایدار این نوشته این اصطلاح اغلب به همین معنا به کار می رود، هرچند محدودیتهایی دارد. می توان گفت



پریکاریات، به عنوان یک طبقه در معنای مارکسی این اصطلاح، "طبقه ای در حال شکل گیری" است، و منتفی ندانیم که به "طبقه ای برای خود" تبدیل شده باشد.

اگر از منظر گروه های اجتماعی به موضوع نگاه کنیم، می توان - با کنار گذاشتن جوامع کشاورزی - گفت که عصر جهانی شدن به تکه تکه شدن ساختارهای طبقاتی ملی انجامیده است. با افزایش نابرابریها و حرکت جهان به سوی بازار کار انعطاف پذیر و باز، طبقه از میان نرفته است، بلکه ساختاری طبقاتی، جهانی و بسیار پراکنده تر شکل گرفته است.

طبقه کارگر، کارگران و پرولتاریا اصطلاحاتی اند که طی چند قرن در فرهنگ ما ریشه دوانده اند. مردم می توانستند خود را با مفاهیم طبقاتی توصیف کنند و دیگران نیز آنان را بر همین اساس، از روی نوع لباس پوشیدن، شیوه سخن گفتن و رفتارشان، بازمی شناختند. امروزه این اصطلاحات چیزی بیش از برچسبهایی تداعی کننده نیستند. آندره گورز (1982) سالها پیش از "پایان طبقه کارگر" سخن گفت. دیگران نیز همچنان درباره معنای این اصطلاح و معیارهای طبقه بندی افراد بحث و جدل کرده اند. شاید واقعیت این باشد که ما به واژگانی جدید نیاز داریم؛ واژگانی که روابط طبقاتی در نظام بازار جهانی قرن بیست و یکم را بازتاب دهند.

از مبارزه کارگران پیمانی برای لغو کار پیمانی و برچیدن قراردادهای موقت حمایت کنیم!

بیمه و حقوق هنگام بیکاری برای همه ی کارگران!

تبارشناسی تاریخی مبارزات و سازمان یابی نیروی کار در ایران از اصناف قاجاری تا جنبش کارگری مدرن

بهروز فدایی





فصل اول - بخش نخست

بررسی دوره قاجار و نقش انقلاب مشروطه در شکل‌گیری مبارزات سیاسی، صنفی و کارگری
مقدمه

چرا باید تاریخ جنبش کارگری ایران را از قاجار آغاز کرد؟

اگر تاریخ جنبش کارگری ایران را از نخستین اعتصاب‌های بزرگ کارخانه‌ای یا از دهه ۱۳۲۰ آغاز کنیم، بخش مهمی از داستان را از دست خواهیم داد.

کارگر صنعتی ایرانی در یک لحظه تاریخی از هیچ پدیدار نشد.

پیش از او

پیشه‌ور وجود داشت، شاگرد وجود داشت، مزدبگیر وجود داشت، کارگر روزمزد وجود داشت، بافنده و صنعتگر

وجود داشت، کارگر چاپخانه وجود داشت و مهم‌تر از همه، صنف وجود داشت

:بنابراین تاریخ جنبش کارگری ایران را باید در یک زنجیره تاریخی دید

«صنف → بازار → اعتراض شهری → انجمن → سازمان سیاسی → اتحادیه → اعتصاب → جنبش کارگری»

دوره قاجار بخش بزرگی از این زنجیره را تشکیل می‌دهد.

در آغاز قاجار، اقتصاد ایران عمدتاً کشاورزی، عشایری، تجاری و پیشه‌وری بود. دولت با بحران مالی، ضعف

اداری و فشار قدرت‌های خارجی روبه‌رو بود و برای تأمین مالی به وام، امتیازدهی و واگذاری برخی منابع و

فعالیت‌های اقتصادی متوسل می‌شد. این روند در نیمه دوم قرن نوزدهم، همزمان با ادغام بیشتر ایران در

اقتصاد جهانی، تغییرات اجتماعی و اقتصادی مهمی ایجاد کرد

. در پایان قاجار، جامعه ایران دیگر جامعه ابتدای قرن نوزدهم نبود

بازار گسترش یافته بود

تجارت خارجی افزایش یافته بود

صنایع جدید به وجود آمده بودند

کار مزدبگیری توسعه یافته بود

ارتباط با روسیه و اروپا افزایش یافته بود

اندیشه‌های جدید سیاسی انتشار یافته بودند

و در نهایت، انقلاب مشروطه به میدان آمد

از همین نقطه است که تاریخ صنف به تدریج به تاریخ سازمان‌یابی سیاسی و سپس تاریخ جنبش کارگری

مردن پیوند می‌خورد

وضعیت اول

جامعه قاجاری؛ جامعه‌ای با تضادهای چندلایه

ساختار اجتماعی ایران قاجاری بسیار پیچیده بود

:در بالای هرم

خاندان سلطنتی، درباریان؛ دیوانیان خوانین و رؤسای قبایل؛ مالکان بزرگ؛ روحانیان بلندپایه؛ و بازرگانان -

بزرگ قرار داشتند



و در پایین هر دهقانان؛ روستاییان؛ کارگران کشاورزی؛ پیشه‌وران؛ کارگران کارگاهی سرگردان؛ مزدبگیران و فقرا قرار - داشتند.

منابع مربوط به طبقات اجتماعی قاجار، از شکاف عمیق میان نخبگان سیاسی، اقتصادی و مذهبی از یک سو و اکثریت دهقانان، کارگران کشاورزی، صنعتگران سنتی و نیروی خدماتی از سوی دیگر سخن می‌گویند. بنابراین، جامعه قاجاری را نمی‌توان جامعه‌ای بدون تضاد طبقاتی دانست اما باید توجه داشت:

«تضاد طبقاتی قاجاری هنوز همان تضاد کار و سرمایه در جامعه صنعتی قرن بیستم نبود»

وضعیت دوم

اقتصاد قاجار و پیدایش نیروی کار مزدبگیر

اقتصاد ابتدای دوره قاجار هنوز عمدتاً سنتی بود

تولید در روستا؛ خانه؛ کارگاه؛ بازار و واحدهای کوچک تولیدی صورت می‌گرفت

اما در طول قرن نوزدهم تغییرات مهمی رخ داد

تجارت خارجی افزایش یافت

سرمایه تجاری رشد کرد

بازارهای منطقه‌ای به بازار جهانی متصل شدند

و کالاهای صنعتی خارجی وارد ایران شدند

در فاصله ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴، حجم تجارت خارجی ایران به‌طور چشمگیری افزایش یافت و در نیمه دوم قرن نوزدهم شتاب بیشتری گرفت

این تحول دو پیامد متضاد داشت

از یک سو

بازارهای تازه ایجاد کرد

از سوی دیگر

تولید سنتی داخلی را در معرض رقابت کالاهای صنعتی خارجی قرار داد

وضعیت سوم

صنف؛ نخستین شکل سازمان‌یابی نیروی کار شهری

پیش از اتحادیه کارگری، صنف وجود داشت

صنف بر اساس حرفه شکل می‌گرفت

نانوا؛ کفاش؛ خیاط؛ آهنگر؛ مسگر؛ نجار؛ دباغ، چاپگر؛ بافنده؛ قصاب و ده‌ها حرفه دیگر -

عضویت در صنف برای بسیاری از پیشه‌ها اهمیت حیاتی داشت

صنف

هویت حرفه‌ای ایجاد می‌کرد؛ -

قواعد کار را تنظیم می‌کرد؛ -



در حل اختلاف نقش داشت؛ -
با حکومت ارتباط برقرار می‌کرد؛ -
و در شرایط بحرانی می‌توانست اقدام جمعی انجام دهد -
اما صنف با اتحادیه کارگری تفاوت اساسی داشت
در صنف، استادکار و شاگرد هر دو عضو یک ساختار بودند
در اتحادیه مدرن، محور اصلی سازمان‌یابی
منافع مشترک مزدگیران است
وضعیت چهارم
بازار؛ مدرسه نخستین سازمان‌یابی جمعی
بازار قاجاری فقط مرکز خرید و فروش نبود
بازار: شبکه اقتصادی + شبکه اجتماعی + شبکه ارتباطی + شبکه سیاسی بود، بازاریان، پیشه‌وران،
روحانیان و اصناف در آن با یکدیگر ارتباط داشتند
به همین دلیل، هرگاه بازار تعطیل می‌شد، این اقدام صرفاً تعطیلی چند مغازه نبود
«در عمل، تعطیلی بازار می‌توانست اقتصاد یک شهر را مختل کند
ایرانی‌ها اشاره می‌کنند که اصناف برای پیشبرد خواسته‌های خود از ابزارهایی مانند تغییر حامی، اعتراض،
تجمع و تهدید به ناآرامی استفاده می‌کردند و مهم‌ترین ابزار آنان تعطیل کردن بازار بود
این تجربه بعدها در مبارزات سیاسی و کارگری ایران اهمیت فراوان پیدا کرد
وضعیت پنجم
نخستین شکل‌های مقاومت صنفی
در دوره قاجار، پیش از ظهور اتحادیه مدرن، روش‌های مختلفی برای اعتراض وجود داشت
شکایت، طرح مستقیم خواسته‌ها نزد حاکم یا مقام مسئول
مذاکره، چانه‌زنی با مقام‌های دولتی یا صاحبان قدرت
تجمع، گردآمدن اعضای صنف
بستن دکان‌ها، استفاده از قدرت اقتصادی صنف
تعطیلی بازار، تبدیل اعتراض صنفی به اعتراض شهری
بست‌نشینی، استفاده از مکان‌های مذهبی یا امن برای ایجاد فشار سیاسی
ائتلاف، پیوند اصناف با روحانیان، بازرگانان و سایر گروه‌های اجتماعی
این تجربه‌ها بعدها در انقلاب مشروطه به شکل بسیار گسترده‌تری مورد استفاده قرار گرفتند
وضعیت ششم
امتیازات خارجی و پیدایش یک مسئله جدید
یکی از مسائل بنیادی اواخر قاجار، اعطای امتیازات اقتصادی به قدرت‌های خارجی بود
امتیازها در حوزه‌هایی مانند: تجارت، معادن، راه‌ها؛ بانکداری؛ تنباکو و بعدها نفت اعطا شدند
این روند، فقط مسئله‌ای مربوط به استقلال سیاسی نبود، بلکه برای تولیدکنندگان داخلی نیز مسئله‌ساز
بود.



بازاریان و پیشه‌وران احساس می‌کردند که فعالیت اقتصادی آنان تحت فشار رقابت و نفوذ خارجی قرار گرفته است.

از اینجا یک پیوند مهم شکل گرفت، دفاع از منافع صنفی و اقتصادی به تدریج با دفاع از حاکمیت ملی پیوند خورد.

وضعیت هفتم

جنبش تنباکو؛ پیش‌درآمد مشروطه

در ۱۸۹۰ امتیاز انحصاری تنباکو به یک شرکت بریتانیایی واگذار شد این امتیاز اعتراض گسترده‌ای ایجاد کرد. اعتراض از شهرهای مختلف گسترش یافت و سرانجام شاه مجبور شد امتیاز را در ژانویه ۱۸۹۲ لغو کند. منابع ایرانیکا این جنبش را یکی از پیش‌درآمدهای مهم انقلاب مشروطه می‌دانند.

اهمیت این تجربه برای تاریخ مبارزات کارگری در چند نکته بود

اول: اعتراض اقتصادی می‌توانست سیاسی شود

دوم: بازار توانایی ایجاد اختلال اقتصادی داشت

سوم: اصناف می‌توانستند در یک مبارزه گسترده شرکت کنند

چهارم: ائتلاف میان گروه‌های اجتماعی قدرت اعتراض را افزایش می‌داد

پنجم: حکومت می‌توانست در برابر فشار سازمان‌یافته عقب‌نشینی کند

این تجربه برای نسل مشروطه بسیار مهم بود

وضعیت هشتم

رشد اندیشه‌های جدید

در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم، جامعه ایران بیش از گذشته با جهان خارج ارتباط پیدا کرد. روزنامه‌ها، مدارس جدید، تلگراف، مهاجرت، تجارت و رفت‌وآمد به قفقاز و عثمانی باعث انتقال اندیشه‌های تازه شد.

مفاهیمی مانند: قانون؛ آزادی؛ عدالت؛ ملت؛ مجلس؛ برابری، حکومت قانون و حقوق مردم وارد ادبیات سیاسی ایران شدند

انقلاب مشروطه نیز یک جریان فکری واحد نبود؛ بلکه مجموعه‌ای از گرایش‌های لیبرال، ملی‌گرا، دینی،

سکولار و اصلاح‌طلب را در خود جای داده بود

این تحول برای کارگران آینده اهمیت بنیادین داشت

زیرا برای نخستین بار زبان سیاسی‌ای پدیدار شد که امکان طرح مفاهیمی مانند: حق، نمایندگی، انجمن، آزادی اجتماع و مشارکت سیاسی را فراهم می‌کرد

وضعیت نهم

انقلاب مشروطه؛ نقطه عطف تاریخ سازمان‌یابی

انقلاب مشروطه از ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۰ شمسی/۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱ میلادی را دربر گرفت. در نتیجه این انقلاب،

مجلس و نظام مشروطه به وجود آمد

اما اهمیت مشروطه برای تاریخ کارگران فقط در تأسیس مجلس نبود، اهمیت اصلی در این بود که

بخش‌هایی از جامعه برای نخستین بار در قالب انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی وارد عرصه عمومی «شدند».



اصناف تهران و برخی شهرهای دیگر نیز انجمن‌های سیاسی تشکیل دادند و در بسیج عمومی نقش ایفا کردند.

وضعیت دهم

اصناف در انقلاب مشروطه

در جریان مشروطه، صنف از یک سازمان صرفاً حرفه‌ای فاصله گرفت

برای نخستین بار: انجمن‌های صنفی - سیاسی شکل گرفتند. در تهران «انجمن مرکزی اصناف» از فعالان چندین صنف تشکیل شد

این انجمن در سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۸ نشریه‌ای با عنوان «انجمن اصناف» منتشر می‌کرد و در دفاع از مجلس در جریان حمله محمدعلی‌شاه به مجلس نیز مشارکت داشت

این تحول بسیار مهم بود. زیرا نشان داد

«تشکل اقتصادی می‌تواند به تشکل سیاسی تبدیل شود»

وضعیت یازدهم

از صنف به انجمن

در این مرحله سه نوع سازمان در کنار هم قرار گرفتند: صنف بر پایه حرفه، انجمن بر پایه مشارکت سیاسی و اجتماعی، حزب و جریان سیاسی بر پایه برنامه و ایدئولوژی

این سه ساختار بعدها بر شکل‌گیری سازمان‌های کارگری اثر گذاشتند. در واقع، کارگران ایرانی پیش از آنکه اتحادیه‌های مدرن نیرومندی داشته باشند، تجربه: انجمن‌سازی را آموختند

وضعیت دوازدهم

نخستین اتحادیه کارگری

در جریان انقلاب مشروطه، گروه‌هایی از کارگران از سطح سازمان صنفی به سازمان‌یابی کارگری نزدیک شدند. بر اساس منابع تاریخی، کارگران چاپخانه‌های تهران در سال ۱۹۰۶ یکی از نخستین اتحادیه‌های

کارگری ایران را تشکیل دادند. همچنین کارگران کارخانه چرم در یکی از نخستین اعتصاب‌های صنعتی ایران شرکت کردند. این نقطه، از نظر تاریخ جنبش کارگری، اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا برای نخستین بار می‌توانیم

به‌طور روشن‌تر از

کارگر + تشکل + مطالبه صنفی + اقدام جمعی، سخن بگوییم

وضعیت سیزدهم

چرا چاپگران پیشگام شدند؟

چاپگران موقعیت ویژه‌ای داشتند

آنها، با سواد بودند؛ با روزنامه‌ها ارتباط داشتند؛ با روشنفکران تماس داشتند؛ اخبار سیاسی را می‌شناختند و در قلب گردش اطلاعات قرار داشتند

بنابراین کارگران چاپخانه در نقطه اتصال کار و سیاست قرار گرفته بودند

این ویژگی بعدها نیز در تاریخ کارگری ایران تکرار شد

گروه‌هایی که به دلیل شغل خود با اطلاعات، ارتباطات یا فناوری سروکار داشتند، اغلب ظرفیت بیشتری برای سازمان‌یابی پیدا کردند



وضعیت چهاردهم
اعتصاب؛ تولد یک ابزار جدید
اعتصاب در معنای مدرن با تعطیلی ساده بازار تفاوت داشت
کارگر با متوقف کردن فروش نیروی کار خود، تولید را - نیروی کار به ابزار فشار تبدیل می‌شود - در اعتصاب متوقف می‌کند
در دوره مشروطه، این شیوه به تدریج در محیط‌های کار جدید ظاهر شد
بستن بازار و اعتصاب کارگری، دو شکل متفاوت اما تاریخی کنش جمعی شدند: به اشکال مختلف وضعیت پانزدهم
مطالبات کارگران در دوره مشروطه
مطالبات اولیه کارگران بیشتر معیشتی و صنفی بود
افزایش دستمزد؛ پرداخت منظم مزد؛ کاهش فشار کاری؛ بهبود شرایط کار؛ منیت شغلی؛ کاهش: از جمله خودسری کارفرما؛ بهبود شرایط زندگی و حق سازمان‌یابی
آزادی انجمن، آزادی مطبوعات، حکومت: اما در کنار این مطالبات، یک لایه سیاسی نیز شکل گرفت
قانون، محدود شدن قدرت خودسرانه حکومت و مشارکت سیاسی برای کارگران اهمیت پیدا کرد
وضعیت شانزدهم
چرا مطالبات صنفی و سیاسی به هم پیوند خوردند؟
کارفرما تنها قدرت اقتصادی نبود: در ایران قاجاری، کارگر با یک مسئله مهم روبه‌رو بود
تشکل را سرکوب کند؛ اعتراض را ممنوع کند؛ تجمع را برهم بزند و از کارفرما: حکومت نیز می‌توانست حمایت کند
بنابراین کارگر به تدریج دریافت که
«حقوق صنفی بدون حقوق سیاسی و آزادی تشکل شکننده است»
این یکی از مهم‌ترین میراث‌های مشروطه برای جنبش کارگری ایران بود
وضعیت هفدهم
انجمن‌ها؛ آزمایشگاه دموکراسی اجتماعی
انجمن‌های مشروطه فقط ابزار سیاسی نبیگان نبودند و در بسیاری از مناطق، انجمن‌ها به عرصه مشارکت مستقیم گروه‌های اجتماعی تبدیل شدند
پژوهش‌های مربوط به مشروطه، به‌ویژه در گیلان و آذربایجان، نشان داده‌اند که انجمن‌ها و شبکه‌های محلی به سازمان‌دهی پیشه‌وران، دهقانان و دیگر گروه‌های اجتماعی کمک می‌کردند
الزمان‌یابی پایین به بالا بود: از این منظر، مشروطه یک مدرسه تاریخی برای
وضعیت هجدهم
گیلان و آذربایجان؛ آزمایشگاه‌های رادیکالیسم اجتماعی
آذربایجان و گیلان: دو منطقه در این تحول اهمیت ویژه داشتند
ارتباط با قفقاز و امپراتوری روسیه باعث انتقال ایده‌های رادیکال‌تر سیاسی و اجتماعی به این مناطق شد



دهقانان؛ پیشه‌وران؛ خرده‌فروشان و تهیدستان شهری یکی از ویژگی‌های مهم: در گیلان، اتحاد میان جنبش بود. پژوهش‌های تاریخی همچنین نشان داده‌اند که در جریان مشروطه، در برخی مناطق اعتصاب‌ها و تحصن‌های دهقانی با حمایت پیشه‌وران و کارگران همراه شد. دهقانان در تاریخ +تهیدستان +نیروی کار شهری: این تجربه، یکی از نخستین نمونه‌های ائتلاف میان معاصر ایران بود

**از مبارزه تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت
حمایت و برای تحقق آن مبارزه کنیم!**

**تلاش حکومت برای کاهش حقوق بازنشستگی را محکوم و از مبارزه کارگران برای
توقف آن حمایت کنیم!**

عقب نشینی دولت نتیجه اعتراضات گسترده برای افزایش دستمزد و ترس از شورش است

صادق



سر انجام بعد از طفره رفتن های پیاپی دولت از افزایش دستمزدها آنطور که خبرگزاری ایلنا اطلاع داده است، شورای عالی کار با تشکیل کمیته دستمزد برای بررسی درخواست افزایش دستمزد توسط میلیون ها کارگر موافقت کرده است.

موافقت با تشکیل کمیته ای به این منظور در حالی انجام گرفته که موج فزاینده‌ای از اعتراضات کارگری در میان کارگران و بازنشستگان جریان دارد و هزینه خانوار در شهرهای بزرگ به ۹۰ میلیون تومان در ماه رسیده است و ارزش دستمزدها ی ماهانه طی یک بازه زمانی ده ساله از ۲۳۲ دلار به ۸۳ دلار سقوط نموده است.

این در حالی است که حداقل دستمزد کارگران با همه ی متعلقات آن برای کارگران متاهل ۲۵ میلیون تومان است. رقمی که سه و نیم برابر کمتر از هزینه های خانوار است.

همچنین بنا بر آمار رسمی منتشر شده از سوی اداره آمار، تورم نقطه‌به‌نقطه کل در این ماه به ۸۴.۴ درصد و تورم سالانه به ۶۵ درصد رسیده، اما در بخش کالاها وضعیت به‌مراتب شدیدتر است: شاخص بهای کالا در



مقایسه با مرداد سال گذشته ۱۲۱.۵ درصد افزایش یافته است. و در همین حال افزایش قیمت بنزین که همه ی کارشناسان اعتقاد دارند گرانی ها را افزایش خواهد داد، قطعی شده است.

اعتراضات معیشتی دیگر تنها اعتراض طبقه کارگر و بی چیزان نیست، اعتراض اکثریت مردم است که گرانی و تورم و رکود و بی رونقی کسب و کارها و افزایش ساعت به ساعت قیمت کالاها و هزینه های زندگی و ناتوانی و بی برنامه گی حکومت در کنترل اوضاع، طاقت شان را بسر آورده است. .

تشکیل این کمیته و عقب نشینی شورای عالی کار در واقع بواسطه عوامل فوق الذکر و نگرانی از بابت انفجار ظرفیت شورشی انباشته شده در جامعه و نگرانی از پیامدهای آن است.

تشکیل کمیته بررسی افزایش دستمزد به منزله آن است که شورای عالی کار به ناگریز با افزایش مبلغی به دستمزدها موافقت دارد، اما مبلغ افزایش به اندازه ای نخواهد بود که کارگران انتظار آن را دارند. در شورای عالی کار نیز نظر به ترکیب شورا حرف آخر را همانگونه که تاکنون مرسوم بوده است نمایندگان سازمانهای کارفرمایی و دولت خواهند زد و کاری از دست کسانی که تحت عنوان نماینده کارگر در شورا منسوب شده اند بر نخواهد آمد. این بار اما کارگران تنها نیستند اکثر اهل کسب و کارهای خرد و متوسط نیز که در اثر افت قدرت خرید مشتریان شان درآمدهای شان کاهش یافته و اجناس شان بخاطر نداشتن خریدار کافی روی دستشان مانده و همچنین عده ای از تولیدکنندگان موهم از افزایش دستمزدها حمایت می کنند. با این حال نمایندگان شرکتهای بزرگ در شورای عالی کار همچنان به همراه نمایندگان دولت در شورای عالی کار با افزایش واقعی دستمزدها مخالفت خواهند کرد. ادعای آنها این است که افزایش دستمزدها به تورم بیشتر منجر می شود اما واقعیت این است که آنها با وجود اینکه تا کنون از افزایش دستمزدها طفره رفته و حتی بخشی از مزایای جنبی دستمزدها را قطع کرده اند و در واقع دریافتی کارگران را کم کرده اند، اما خودشان قیمت محصولات تولیدی شان را دستکم به اندازه نرخ تورم افزایش داده اند. آنها این حق را برای خودشان قائل هستند، اما آنرا برای کارگران شان نیستند. کاهش دستمزدها در شرایطی که راه تجارت با خارج محدود و با موانع روبرو شده است طبیعی است که به رکود تولیدی در بسیاری از کالاها و بی رونقی کسب و کارها منجر شود، که شده است بنا بر این گرچه کارگران و کارمندان بیشترین زیان را از این وضع متحمل می شوند، ولی بسیاری از خود تولید کنندگان نیز از آسیب کار خود در امان نمی مانند. سرمایه داری بدون مشتری محکوم به فناست. در، صدها گزارش تصویری که از بی رونقی کسب و کارها منتشر شده از صاحبان کسب و کار می شنویم که می گویند کار و کسب شان راکد و بی رونق است، اما نه بخاطر نداشتن کالا برای عرضه، برای نبود مشتری و از دست رفتن قدرت خرید مردم.

سقوط هر ساله دستمزد از پیامدهای سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حکومتی است که می پندارد با سرکوب تشکلهای مستقل کارگری و برچیدن قوانین حمایتی، گرانسازي خدمات دولتی و پیشبرد برنامه های شوک درمانی می تواند برای همیشه بر مردم حکومت کند.

یکی از کارشناسان اقتصادی مخالف سیاستهای شوک درمانی اخیرا گفت ۴۰ درصد جمعیت کشور در اثر سیاستهای دولت و حکومت به زیر خط فقر رفته اند و ۴۰ درصد دیگر در لبه غلتیدن به زیر خط فقر قرار دارند.



وجود یک چنین جمعیتی یک خطر دایمی برای حکومت محسوب می شود. اما حکومت نه تنها برنامه‌ای برای کاهش فقر و کم کردن تعداد این جمعیت عظیم ندارد، بلکه با تداوم سیاستهای محافظه کارانه و سرکوبگرانه خود تعداد و ظرفیت انفجاری در جمعیت فقیر را افزایش می دهد.

این جمعیت انبوه البته آنطور که اغلب حکومتی ها کوشش می کنند، آنها را تنها نتیجه جنگ جلوه دهند، با وجود اینکه نقش جنگ در گسترش فقر به کلی منتفی نیست، اما عمدتاً از پیامدهای سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حکومت هستند. کما اینکه در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق جمعیت فقیر کشور بواسطه حفظ بخشی از سیاستهای حمایتی دولت وقت با سرعتی که در دولتهای بعدی رشد کرد افزایش نیافت.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

میته های سازماندهی اعتراضات را در محل های کار و زندگی تشکیل دهیم!



!سرنوشت نامعلوم ۹۰۰ کارگر گرفتار در تونل های نپال/ نشانی از کارگران نیست

طبق اعلام دولت نپال، ۹۳۳ کارگر این پروژه ها در زمره مفقودشدگان فاجعه قرار دارند. مقام های محلی از احتمال زنده بودن بیش از ۱۰۰ کارگر درون تونل ها خبر داده اند



تجمع اعتراضی پرسنل محیطی بهداشت همدان

پرسنل محیطی بهداشت همدان برای پنجمین بار در اعتراض به مطالبات اداری و معیشتی خود تجمع کردند.
خواسته های اصلی



رفع تبعیض و دوگانگی اداری در موضوع دورکاری پنجشنبه‌ها و بازپرداخت حقوق ۲۲ روزه مطابق با سایر هم‌صنفان.

مطالبات معیشتی:

پرداخت فوری فوق‌العاده خاص، کارانه، حق لباس و ایاب‌وذهاب برای جبران بخشی از فشار ناشی از تورم.



بیانیه آغاز تجمعات صنفی هفتگی کارکنان مناطق عملیاتی

در مطالبه رفع محدودیت‌های حقوق و مزایای کارکنان صنعت نفت

با سلام و احترام

سال‌هاست کارکنان مناطق عملیاتی صنعت نفت، به‌ویژه همکاران شاغل در مجموعه‌های بزرگ عملیاتی منطقه پارس‌جنوبی، مطالبات قانونی و به‌حق خود در خصوص رفع محدودیت‌های حقوق و مزایا، از جمله سقف حقوق را از مسیرهای مختلف و به‌صورت مستمر پیگیری کرده‌اند.

در این سال‌ها، مکاتبات و پیگیری‌های متعددی از سوی کارکنان با مدیران و مسئولان سازمانی، وزارت نفت، نمایندگان مجلس و سایر مراجع ذی‌ربط انجام شده است؛ با این امید که این مطالبات از مسیرهای قانونی و اداری به نتیجه برسد. با وجود این پیگیری‌های مستمر، بخش مهمی از مطالبات همچنان بدون نتیجه مطلوب باقی مانده است.

در ادامه پیگیری‌های صنفی خود، تجمعات هفتگی را در سال جاری، همکاران شرکت در [نفت و گاز پارس](#) در محل‌های کاری آغاز کرده و با حفظ نظم و احترام، مطالبات کارکنان مناطق عملیاتی را دنبال نموده‌اند.

اکنون، در راستای هم‌افزایی، انسجام و پیگیری مشترک مطالبات کارکنان مناطق عملیاتی، همکاران نیز اعلام می‌نمایند که به این تجمعات صنفی خواهند پیوست.

بر این اساس:

آغاز تجمعات: دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵ ۱۴

زمان: ساعت ۹ صبح



تداوم: هر دوشنبه، همزمان با تجمعات همکاران شرکت نفت و گاز پارس

این تجمعات با هدف انعکاس منسجم مطالبات کارکنان، پیگیری رفع محدودیت‌های حقوق و مزایا و حمایت از تلاش‌های انجام‌شده برای احقاق حقوق کارکنان مناطق عملیاتی برگزار خواهد شد.

از تمامی همکاران محترم دعوت می‌شود با حضور مسئولانه، منظم و متحدانه و با رعایت شأن و احترام حرفه‌ای کارکنان صنعت نفت، در این مطالبه صنفی مشارکت نمایند.

همچنین از همکاران سایر شرکت‌های تابعه صنعت نفت در کلیه شهرها مناطق عملیاتی دعوت می‌شود با پیوستن به این حرکت صنفی، صدای مشترک کارکنان را برای پیگیری مطالبات قانونی، منسجم‌تر و رساتر نمایند.

مطالبه ما روشن است:

رفع محدودیت‌های حقوق و مزایای کارکنان مناطق عملیاتی و اجرای عادلانه و قانونی حقوق آنان.

این مطالبه متعلق به یک شرکت یا یک گروه خاص نیست؛ مطالبه مشترک کارکنان مناطق عملیاتی صنعت نفت است.

با حفظ احترام و اتحاد و انسجام،

تا تحقق مطالبات قانونی متخصصین صنعت نفت

پایگاه اطلاع رسانی مطالبات کارکنان رسمی صنعت نفت ایران

شنبه ۷ شهریور ۱۴۰۵



بازرس شورای هماهنگی، روز سه‌شنبه دهم شهریور ماه ساعت ۱۰ صبح برگزار خواهد شد.



رضا امانی‌فر از جمله چهره‌های شناخته‌شده صنفی و پژوهشی است که طی ماه‌های گذشته با فشارهای قضایی و امنیتی روبه‌رو بوده است. وضعیت جسمانی او، به‌ویژه بیماری کلیوی، نگرانی‌ها درباره ادامه فشارها و روند رسیدگی قضایی را دوچندان کرده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، تداوم پرونده‌سازی و فشار قضایی علیه معلمان، پژوهشگران، فعالان صنفی و استادان اخراجی را قویاً محکوم می‌کند و تأکید دارد که مطالبه‌گری صنفی، فعالیت پژوهشی و دفاع از حقوق معلمان و دانش‌آموزان نباید با زندان، احضار، اخراج و تهدید پاسخ داده شود.

شورای هماهنگی خواستار توقف فوری روند امنیتی‌سازی فعالیت‌های صنفی، رسیدگی عادلانه و علنی به پرونده رضا امانی‌فر، رعایت کامل حقوق قانونی او و توجه جدی به وضعیت جسمانی و درمانی این معلم بیمار است.



همزمان با برگزاری هفتگی اعتراضات بازنشستگان مخابرات در روز دوشنبه ۹ شهریور بازنشستگان مخابرات در شهر سنج نیز در اعتراضات شرکت کردند.



تجمع اعتراضی روز دوشنبه ۹ شهریور ماه ۱۴۰۵ بازنشستگان شوش شعارها و مطالبات بازنشستگان شوش فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون.

خیابان سنگر است؛ مبارزه تا تحقق مطالبات ادامه دارد.
نان و آزادی از هم جدایی ناپذیرند؛ هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شود.
مطالبات ما :

- ♦ بهبود معیشت و افزایش قدرت خرید کارگران و زحمت‌کشان
- ♦ افزایش دستمزدها متناسب با یک زندگی شایسته
- ♦ مهار تورم، گرانی و تثبیت قیمت کالاها و خدمات اساسی
- ♦ ایجاد فرصت‌های شغلی و مقابله با بیکاری



- ♦ کنترل و کاهش اجاره‌بهای مسکن؛ مسکن حق همگانی است
- ♦ آموزش، درمان و خدمات اجتماعی رایگان و همگانی
- ♦ حق اعتراض، حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری
- ♦ پایان دادن به اعدام، بازداشت و زندانی کردن معترضان؛ اعتراض حق همگانی است
- ♦ پایان دادن به فضای امنیتی و ناامنی اجتماعی
- ♦ مبارزه با فساد، چپاول و غارت منابع عمومی
- ♦ رفع تبعیض، نابرابری، ستم و استثمار
- ♦ توزیع عادلانه ثروت و تحقق عدالت اجتماعی
- نان، کار، آزادی؛ زندگی شایسته، حق همگان است.
- نابود باد بندگی، زنده باد زندگی

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomyterm/457>